

کشتی بان هدایت

آیت الله العظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

کشتی بان هدایت

مجموعه سخنرانی آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی مد ظله العالی

انتشارات:

نوبت و تاریخ چاپ:

تیراژ:



الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

فهرست

۷	پیشگفتار.....
۹	وظیفه ما در قبال امام حسین علیه السلام
۱۱	در آستانه عاشورا.....
۱۲	هدف مقدس.....
۱۵	روی سخن.....
۱۶	مسئولیت ما.....
۲۰	سبقت در نیکی ها.....
۲۱	سخنی با بانوان.....
۲۲	امید همراه با عمل.....
۲۳	دو پیشنهاد.....
۲۶	یک مسأله شرعی.....
۲۷	محاسبه نفس.....
۲۹	امام حسین علیه السلام و برپایی دین.....
۳۱	دین خدا یکی است.....
۳۲	توصیه خدا به پیامبران.....
۳۳	جایگاه والای سیدالشهدا علیه السلام در آسمان ها.....
۳۷	نمونه ای از تلاش های بنی امیه برای نابودکردن دین.....
۴۱	حسین مني وأنا من حسین.....

- ۴۵.....امام حسین علیه السلام کفیل پیروان
- ۴۷.....تلنگری مهر آمیز
- ۴۷.....بی حرمتی به حریم سیدالشهدا علیه السلام
- ۵۱.....کفالت امام حسین علیه السلام
- ۵۲.....از امام حسین علیه السلام چه بخواهیم؟
- ۵۴.....برترین افتخار
- ۵۵.....عرصه آزمون الهی
- ۵۶.....انگیزه درونی
- ۵۷.....ناظر بودن خدا
- ۵۸.....اختصاصات سیدالشهدا علیه السلام
- ۵۹.....عرفه و زائران امام حسین علیه السلام
- ۶۱.....چکیده سخن
- ۶۱.....تعلیم و تربیت
- ۶۲.....احیای امر اهل بیت علیهم السلام
- ۶۳.....عبادت برتر
- ۶۷.....استفتاءات شعائر حسینی

به منشأ نور خواهد رسید. همان گونه که برای یافتن راه در تاریکی ها و گستره پهنای دریاها و اقیانوس ها، ستارگان راهنمایان کاروانیان و کشتی سوارانند، خدای منان برای هدایت معنوی انسان ها چراغ های فروزنده و هدایتگری مقرر فرموده است که استفاده از نور آنها رسیدن به مقصد را تضمین می کند. یکی از این چراغ های هدایت، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) است، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره ایشان فرمودند:

إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَسَفِينَةَ النِّجَاةِ^۱ به یقین حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

گفتنی است، همان طور که سواران بر کشتی دارای ناخدایی کارآزموده، به مقصد می رسند، سرنشینان کشتی نجات امام حسین (علیه السلام) نیز به ساحل امن می رسند. نگاهی به تاریخ، روشن می کند که چه بسیار گمراهانی که با روی کردن به سیدالشهدا (علیه السلام) در شاهراه راه هدایت قرار گرفتند و در مقابل، کسانی که با حضرتش سر کین و بی مهری داشتند گرفتار خشم و کيفر الهی و در دنیا خوار و در برزخ گروگان اعمال خویش شدند.

مؤسسه فرهنگی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) مفتخر است به مناسبت فرا رسیدن ماه محرم سال ۱۴۳۱ق/۱۳۸۸ش. نوشته حاضر را - که فراهم آمده از سه سخنرانی مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی حاج سید صادق حسینی شیرازی (رحمته الله) است - به دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت، به ویژه محبان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) تقدیم نماید. امید این که خدمتی ناچیز باشد به پیشگاه حضرت امام حسین (علیه السلام) و همگان را مفید باشد.

مؤسسه فرهنگی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

قم مقدسه

پیشگفتار

خدای متعال می فرماید:

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ^۱ و نشانه هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه یابی می کنند.

حضرت باری تعالی انسان را با دو نیاز مادی و معنوی آفرید و خود هر دو نیازش را برای او فراهم آورد، بدو نمایند و برخورداری از آن را به خود انسان واگذارد، آن جا که می فرماید:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا^۲ ما راه را بدو نمودیم یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاسگزار.

پر واضح است که هر کسی با هر ایده و نگرشی، اگر با استفاده از نشانه های حقیقی جهت نما، طی مسیر کند قطعاً به مقصد می رسد؛ بر عکس اگر اندیشمندترین انسان ها گام در بیراهه نهند، به یقین مقصدشان ترکستان خواهد بود که شاعر سروده است:

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی کین ره که می روی به ترکستان است در امور معنوی نیز همین قاعده صادق و جاری است، چه این که هر کس با هر گرایشی جویای حقیقت و خواهان هدایت باشد و مسیر صحیح رسیدن به هدایت را انتخاب کرد و آن را ببیماید، به مدد الهی فرجامی خوش داشته و

۱. نحل (۱۶)، آیه ۱۶.

۲. انسان (۷۶)، آیه ۳.

ونظیفہ مادرِ قبال

امام حسین علیہ السلام

حسین (علیه السلام) را بیان فرموده اند و آن این بود که حضرتش با تمام وجود کوشید تا دینی را که خدای متعال به عنوان آخرین دین بر پیامبرش نازل فرموده و بنی امیه مشغول ریشه کن کردن آن بودند، بار دیگر به مردم باز گرداند و از به هدر رفتن زحمات پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، صدیقه طاهره فاطمه زهرا، امیرالمؤمنین، امام حسن (علیه السلام) جلوگیری کند.

در شرح حال یکی از مراجع بزرگ پیشین در نجف اشرف نقل شده است که ایشان هرگاه نماز جماعت می خواند، پیش از گفتن تکبیرة الاحرام با عبارت «السلام عليك يا ابا عبدالله» به حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) سلام داده، می فرمود: اگر امام حسین (علیه السلام) و عاشورا و شهادت آن حضرت نبود، امروز ما مسلمان نبودیم و این نمازی که من می خوانم ثمره جهاد و خدمت آن حضرت (علیه السلام) به اسلام عزیز است.

باید گفت که او این سخن را به گزاف نمی گفت، بلکه آن را از ائمه (علیهم السلام) آموخته بود.

هدف مقدس

ماه محرم و پس از آن روز عاشورا و در پی آن ماه صفر فرا می رسد و مؤمنین در مراسم عزاداری سالار شهیدان، حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) شرکت کرده و به شیوه های مختلف محبت و علاقه خویش را به آن حضرت ابراز خواهند کرد، اما باید به این نکته توجه داشته باشیم که ائمه اطهار (علیهم السلام) در تبیین هدف امام حسین (علیه السلام) از برپا کردن قیام کربلا فرموده اند:

در آستانه عاشورا

ماه محرم و دهه عاشورا که به حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) اختصاص دارد آغاز می شود. در یکی از زیارت های امام حسین (علیه السلام) که از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است، آن حضرت با اشاره به قبر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به درگاه خدای متعال عرض می کنند:

وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ قَدْ عِبَادَتِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ؛^۱
خون [قلب] خود را در راه تو داد تا بندگان را از نادانی و سرگستگی گمراهی وارهاند.

این عبارت امام صادق (علیه السلام) به این مطلب تصریح دارد که هدف امام حسین (علیه السلام) از بذل جان این بود تا بندگان خدا را از جهل و گمراهی نجات دهند.

امام حسین (علیه السلام) در مسیر مکه مکرمه به کربلای معلّا در کلامی فرمودند که بنی امیه از من دست بر نمی دارند تا آن که خون مرا بر زمین بریزند. امام صادق (علیه السلام) در این جمله کوتاه تمام هدف امام

۱. مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

«آن حضرت برای رهایی مردم از بند جهل و گمراهی شهادت را به جان خریدند» که رساترین و صریح ترین آن ها مطلبی است که در آغاز سخن از امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام بیان شد. از این رو باید هدف از شرکت در این مجالس، تحقق بخشیدن به هدف امام حسین علیه السلام باشد، یعنی در پایان ماه محرم و صفر، هر کس باید در پرتو مکتب امام حسین علیه السلام گفتار، موضع گیری، رفت و آمدها و روابطش با افراد، بهتر و پسندیده تر از گذشته باشد، چرا که تمام این عزاداری ها و کوشش هایی که در برگزاری مجالس امام حسین علیه السلام انجام می گیرد، مقدمات وجود تحقق هدف امام حسین علیه السلام است.

به عنوان توضیح، کسی که به مکه مشرف می شود و تمام هزینه هایی که برای تهیه بلیط هواپیما و دیگر لوازم رفت و برگشت و پذیرایی و دیگر موارد مربوط به سفر حج می پردازد و همه زحمات و مشکلاتی که بر خود هموار می کند، مقدمه وجود مراسم کوتاه دو سه روزه در مکه، عرفات، مشعر، منی، میقات و دیگر مناسک حج است. بنابراین شخص باید در تمام واجبات، ذی المقدمه و هدف نهایی را لحاظ داشته باشد نه مقدمات، هر چند انجام مقدمات برای تحقق بخشیدن به ذی المقدمه لازم است.

انگیزه ما از شرکت در مجالس عزاداری و ایراد سخنرانی ها، نوشتن کتاب، چاپ و نشر آن نیز مقدمات تحقق بخشیدن به هدف

حضرت سیدالشهدا علیه السلام به شمار می رود و اگر موارد فوق در تحقق هدف آن حضرت تأثیر نداشته باشد، عملی لغو خواهد بود.

چنان که در روایت آمده است، خدای متعال امام حسین علیه السلام را برای رفتن از مکه به کربلا و برپا کردن قیام کربلا مجبور نکرد، بلکه انتخاب را به آن حضرت واگذار تا به اختیار خود و در صورت تمایل، شهادت را انتخاب کند و گرنه حضرت مجبور نبودند حتما به کربلا بروند. نیز بنا بر روایت، امام حسین علیه السلام تا آخرین لحظه پیش از شهادت مخیر بودند که در صورت تمایل به شهادت، آن را برگزینند.

از این رو حتی پس از آن که تمام اصحاب، فرزندان و برادران و حتی طفل شیرخوارشان شهید شدند و آن حضرت تنها مانده بودند، هنگامی که قصد عزیمت به میدان جنگ را داشتند، فرشته ای بر ایشان نازل شد و عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا، شما مجبور نیستید تن به شهادت دهید».

جمله «وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ قَدْ عِبَادُكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ» بسیار در خور دقت و بررسی است. علمای ادب و بلاغت می دانند همین یک جمله زیارت، نه یک صفحه و ده صفحه که یک کتاب مطلب دارد. این که امام صادق علیه السلام با این واژه ها هدف امام حسین علیه السلام را از قیام کربلا بیان فرمودند جای بحث فراوانی دارد تا روشن شود چرا آن حضرت این واژه ها را به کار بردند و واژه های مترادف آن را به کار نبردند؟ به عنوان مثال چرا خطاب به خدای متعال از واژه «بذل»

استفاده کردند، نه «اعطی». دیگر این که چرا کلمه «مهجته» به کار بردند، نه «نفسه» یا «رأسه»، چه این که حضرت سیدالشهدا علیه السلام در راه خدا هم سر، هم بدن و هم خون دادند، پس چه خصوصیتی دارد که حضرت از میان این واژه ها «مهجته» را برگزیدند؟ اینها مباحثی است که باید در جای خود بررسی شود.

روی سخن...

برای کسانی که با قرآن و مباحث قرآنی آشنا هستند، بیان مطلبی درباره قرآن کریم را لازم می دانم. ما باید پاسدار حرمت قرآن باشیم؛ قرآنی که امام حسین علیه السلام خون قلبشان را برای حفظ آن نثار کردند تا آیندگان با شناخت قرآن، حرمت آن را پاس دارند و با فهم و تدبر، تعقل و تأمل در آن، زمینه عمل به آن را فراهم کنند و برای آموزش قرآن به دیگران نیز بکوشند تا زمینه شناخت و عمل به قرآن در میان تمام مردم فراهم شود و با انگیزه عمل به قرآن، آن را به دل بسپارند و تصمیم بگیرند خون خود را برای ماندگاری و عمل به قرآن نثار کنند.

ان شاء الله مؤمنان در خدمت به قرآن موفق هستند و امید این که روز به روز، دل های شان بیشتر با قرآن مانوس شود و با تمام قدرت فکری و جسمی و با قلم و زبان خود در خدمت قرآن باشند. عزیزان به یاد داشته باشند که امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل، علی اکبر، حضرت قاسم، علی اصغر، و اصحاب امام حسین علیه السلام برای بقای همین قرآن شهید شدند

و حضرت سجاد علیه السلام و شیر زن کربلا حضرت زینب علیها السلام و دیگر بانوان خاندان امام حسین علیه السلام برای حفظ قرآن رنج اسارت را به جان خریدند. حضرت زینب و ام کلثوم علیهما السلام پس از صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام در کل تاریخ جهان بی نظیرند و همه آنان زندگی خود را وقف خدمت به قرآن کردند.

در این ماه محرم و صفر و در دهه عاشورا برای آموختن احکام و آموزه های دین اسلام و آموزش آن به دیگران بیشتر کوشش کنید تا اجرتان نزد حضرت سیدالشهدا علیه السلام افزایش یابد و بدانید همه این اعمال پاداش دارد.

مسئولیت ما

ما دو مسئولیت بزرگ فرا گرفتن دین و آموزش آن به دیگران را برعهده داریم.

تمام دین در سه بخش خلاصه می شود:

اول: اصول دین، یعنی خداشناسی و شناخت صفات ثبوتیه و سلبیه، از جمله عدل خدا، پیامبرشناسی، امام شناسی و معادشناسی. ایمان به خدا، یعنی اگر - مثلاً - شخصی که با اعضای خانواده اش زندگی می کند، روزی همه اطرافیانش منزل را ترک کنند و او چند ساعت یا چند روز در آن منزل تنها بماند، احساس تنهایی نکند، بلکه احساس کند خدا با اوست؛ خدایی که همواره بیدار و بیناست و نه تنها

همه چیز را می بیند، بلکه دل، مغز و نیت انسان ها را نیز مشاهده می کند و نیت های افراد را - خوب یا بد - در پرونده اعمال شان می نویسد و در روز قیامت آن را به دست افراد می دهد. بنابراین باید شناخت انسان نسبت به خدا که بر اثر خواندن یا شنیدن برای او فراهم می شود به باور برسد.

همچنین هر شخصی باید انبیا و ائمه علیهم السلام را بشناسد و البته می تواند با خواندن آثاری که در معرفی آن پاکان نوشته شده است به این شناخت برسد یا از آقایان و عاظمی که در این زمینه سخنرانی می کنند استفاده نماید. دیگر این که باید معاد را باور داشته باشد، یعنی ایمان داشته باشد که دادگاه گسترده و دقیقی در قیامت برپا و در آن، خردترین اعمال بررسی و درباره آن قضاوت خواهد شد. البته هیچ کس نمی داند چه زمانی خواهد مُرد و چه هنگام قیامت و دادگاه عدل الهی برپا خواهد شد، اما مسلّم این است که همه باید در آن دادگاه حاضر شوند و پاسخگوی اعمال خود باشند و در مورد اعمال، چشم، گوش، دست، پا، زبان و فکر خود بازخواست خواهند شد. در روایت آمده است که همه اعمال انسان را در نامه اعمالش ثبت می کنند و البته در این دادگاه به هیچ کس ظلم نخواهد شد، چنان که قرآن کریم می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ...^۱ در حقیقت خدا، هم وزن ذره ای ستم نمی کند.

در این دادگاه بر اساس عدالت قضاوت خواهد شد و همین قضاوت عادلانه ترس دارد و انسان باید متوجه اعمال خود باشد، چرا که دادرسی در این دادگاه به اندازه ای دقیق است که اگر انسان لباس برادر، خواهر، همسایه یا دوستش که - مثلاً - در مجلس نشسته میان دو انگشت خود قرار دهد تا کیفیت آن را بیازماید، در صورتی که صاحب آن راضی نباشد، همین تصرف ناچیز و بی ضرر نیز در پرونده اعمال شخص ثبت می شود و فردای قیامت باید پاسخگوی آن باشد، چه این که در روایت آمده است:

أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ حَتَّى عَنْ مَسِّ أَحَدِكُمْ ثَوْبَ أَخِيهِ يَبْنِ إِصْبَعِيهِ^۱ آگاه باشید که خدا درباره اعمال تان حتی در مورد لمس کردن جامه کسی با انگشتان، از شما خواهد پرسید.

دوم: شناخت احکام دین است، یعنی هر کس موظف است واجبات و محرمات دین را بشناسد. برخی از واجبات و محرمات عمومی است، مانند حرمت شراب خواری و غیبت کردن که برای همه حرام است و وجوب نماز و امر به معروف و نهی از منکر که بر هر مکلفی واجب است، اما هر زن و مرد، پیر و جوان، پدر و مادر و فرزند، برادر و خواهر، استاد و شاگرد، فقیر و غنی، عالم و جاهل، هر کدام واجبات و محرماتی مخصوص به خود دارند که هر مکلفی باید این گونه احکام را نیز فراگیرد

و بداند هدف امام حسین علیه السلام از پذیرش شهادت این بود که مردم این احکام را فرا گیرند و به آن عمل کنند و به دیگران نیز آموزش دهند تا هدف خدای متعال از تعیین احکام تحقق یابد.

سوّم: شناخت اخلاق و آداب اسلامی است. بانوان محترم امید دارند که فردای قیامت خدمت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام، حضرت زینب کبری علیها السلام و کریمه اهل بیت علیهم السلام حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مشرف شوند و خود می دانند که این مسأله شایستگی می خواهد. پس اگر دوست دارند خدا آنان را با این بزرگواران محشور کند و در جمع آنان راه دهد، باید با آن بزرگواران سازگاری اخلاقی داشته باشند.

آیا اگر شما به جای خدا باشید، حاضرید افرادی را در جمع آنان راه دهید که اخلاقشان با آن بزرگواران ناسازگار است؟ یقیناً خدای حکیم، عملی غیر مناسب انجام نمی دهد.

پس بر بانوان است که آداب و اخلاق اسلامی را فرا گیرند و به آن عمل کنند تا در روز قیامت درب منزل حضرت فاطمه زهرا و حضرت زینب علیها السلام را بر روی شان نبندند و به دلیل تباین و تضاد اخلاقی، آنان را برای مشرف شدن خدمت آن بزرگواران، نالایق نخوانند، در حالی که در دنیا همواره امیدشان این بوده است که در قیامت خدمت آن بزرگواران برسند. فراموش نکنیم که حضرت زهرا و امام حسین علیهم السلام برای عمل به اخلاق والا شهید شدند.

سبقت در نیکی ها

قرآن کریم از ما خواسته تا در عمل به اخلاق و اعمال نیک از یکدیگر پیشی گیریم، آن جا که می فرماید:

...وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ^۱ و در این [نعمت ها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند.

تنافس، یعنی شخص در عمل نشان دهد که از دیگری جلوتر است و تلاش کند تا از دیگران پیشی گیرد. شاید گاهی شاهد بوده اید که دو همسایه، فامیل یا دوست، در امور دنیا با یکدیگر رقابت کنند، بدین معنا که اگر رقیبش یک تخته قالی با نقشه و کیفیت مخصوصی خرید، دیگری نیز می کوشد یک تخته قالی با همان مشخصات یا بهتر از آن را تهیه کند و اگر دوستش منزلی ساخت، سعی می کند منزلی با همان مشخصات و نقشه یا بهتر از آن بسازد یا اگر مهریه خانمی فلان مبلغ است دیگری با خود می اندیشد که نباید به کمتر از آن تن دهد. خانمی با بستگانش به سفر می رود، آن دیگری نیز پول قرض می کند تا بتواند به همان صورت به سفر برود یا دوستش ماشین می خرد او نیز تلاش می کند ماشینی با همان ویژگی بخرد. این گونه رقابت را در زبان عربی تنافس می گویند.

۱. مطففین (۸۳)، آیه ۲۶.

سخنی با بانوان

بانوان باید این رقابت و مسابقه را برای کسب بهشت اختصاص دهند، یعنی به گونه ای عمل کنند که فردای قیامت برای مشرف شدن خدمت حضرت زهرا علیها السلام از دیگران جلوتر باشند. فکر کنند چه عملی آنان را در قیامت در نوبت اول ملاقات با ایشان قرار می دهد و چه عملی باعث می شود در نوبت دوم، سوم، یک سال، ده سال، صد سال یا هزار سال بعد و... قرار گیرند؟ بنابراین و بر اساس علاقه ای که برای ملاقات با ایشان دارند تلاش و عمل خود را تنظیم کنند تا در مسابقه ملاقات با ایشان، برنده شوند، چرا که روز قیامت پنجاه هزار سال طول می کشد. لذا مبادا بر اثر کوتاهی در عمل، روز قیامت مشاهده کنند همسایه یا دخترشان زودتر از خودشان با آن حضرت ملاقات کرده و خود هنوز در نوبت انتظار هستند یا مادر در مسابقه ملاقات با آن حضرت از دخترش پیشی گرفته است. نباید غافل بود که فرجام این جریان باید در این دنیا و با چگونگی عمل تعیین شود. باید دانست عامل تعیین کننده این جریان چیست و چه عاملی باعث پیشی گرفتن بر دیگران در ملاقات با حضرت زهرا علیها السلام خواهد شد و به یقین، عامل تعیین کننده در این موضوع، عمل به اصول دین، احکام اسلام و اخلاق است.

جان سخن این که فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، نجات بندگان خدا از جهل و گمراهی بود، چنان که آمده است:

لیستغذ عبادك؛ تا بندگان را نجات دهد.

امید همراه با عمل

خانمی که امید دارد در دهه عاشورا کاری کند تا در ملاقات با حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام حضرت زینب کبری علیها السلام، حضرت ام کلثوم علیها السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، حضرت نرجس علیها السلام و حضرت حکیمه علیها السلام از دیگران جلوتر باشد و بر بقیه پیشی بگیرد، باید به اصول دین، فروع دین و اخلاق و آداب اسلامی بیشتر از دیگران توجه کند، چه این که هر اندازه شناخت و ایمان فرد به اصول دین و عملش به احکام و اخلاق اسلامی بیشتر باشد، زودتر به ملاقات آن بزرگواران نائل خواهد آمد. آن بزرگواران توجه نمی کنند چه کسی سنش، تجربه اش، قدرتش، پول و زیرکی اش بیشتر است، بلکه تأکید آنان بر این است که چه کسی در عمل به وظایف دینی، موفق تر است. البته اگر انسان آن امتیازات را داشته باشد و در عمل به احکام دین هم موفق شود چه بهتر.

بنابراین، در فرصت پیش رو همگی باید در همه ابعاد زندگی، بیشتر و بهتر از گذشته موفقیت های خود را افزایش دهیم. به عنوان مثال، سعی شود نمازهای پنج گانه با توجه بیشتر گزارده شود و با حضور در مجلس عزاداری، در روایات معصومین علیهم السلام بیشتر دقت شود و تصمیم بر این باشد که مطالب فراگرفته شده مورد عمل قرار گیرد.

اگر اهل سخنرانی هستید و این توفیق بزرگ نصیبتان شده است که ذاکر امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام باشید، لحظه ای که در حال خواندن روایت یا موعظه هستید خود را نیز ملزم کنید به آنچه می گوئید پای بند

باشید و اگر به آن عمل می کنید، تصمیم بگیرید پابندی تان به آموزه های اسلامی بهتر و بیشتر از گذشته باشد. به یاد داشته باشید که امام حسین علیه السلام برای رسیدن سخنان معصومین علیهم السلام به ما و عمل ما به آنها شهید شدند.

دو پیشنهاد

در ادامه سخن دو پیشنهاد برای بانوان محترم دارم که با بیان آن به این بخش از سخن پایان می دهم:

نخست: هر چند بانوان محترم نیز در نماز جماعت شرکت می کنند، اما باید به این مسأله بیشتر توجه کنند تا نزد اهل بیت علیهم السلام در این زمینه از مردان عقب نمانند. در باب نماز جماعت بانوان، روایتی نقل شده که فقهای ما آن را ذکر کرده اند، از جمله فقیه بزرگ، مرحوم حاج آقا رضا همدانی رحمته الله در کتاب الصلاة آن را چنین نقل کرده است:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در مدینه منوره پنج نماز یومیه را به جماعت می خواندند و خانم ها نیز در نماز جماعت ایشان شرکت می کردند، آن حضرت بانویی متدین و متقی به نام «ام ورقه» را به عنوان امام جماعت بانوان انتخاب کردند و از خانم ها خواستند تا نماز جماعت را به امامت او برگزار کنند. در روایت آمده است:

۱. مرحوم حاج آقا رضا همدانی از فقهای بزرگ شیعه و از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی بزرگ رحمته الله بودند.

وَقَدْ جَعَلَ الرَّسُولُ صلی الله علیه و آله لَهَا مُؤَدِّنًا^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله برای او مؤذنی قرار دادند.

پیامبر صلی الله علیه و آله برای محل برگزاری نماز جماعت خانم ها به امامت ام ورقه، مردی از اصحاب خود را به عنوان مؤذن گماردند که هنگام اذان صبح، ظهر و مغرب، بر فراز آن محل، اذان می گفت. بلال نیز مؤذن مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بود. این روایت را فقهای دیگر نیز نقل کرده اند.

به هر حال، نباید در این زمینه عقب تر باشید و باید از پاداش عظیم نماز جماعت بهره مند گردید. مرحوم آقای «سید محمد کاظم طباطبایی یزدی» در کتاب عروة الوثقی در باب نماز جماعت روایتی نقل می کنند که در آن آمده است: اگر دو نفر نماز جماعت برگزار کنند، یک نفر امام و دیگری مأوم باشد، مثل این که مادری به عنوان امام جماعت در منزل نماز بجا آورد و دخترش به او اقتدا کند یا خواهری به خواهرش یا دختری به یکی از بانوان فامیل اقتدا کند، اگر چه تعداد آنان تنها دو نفر باشد، در این صورت ثواب نمازشان صدوپنجاه برابر نمازی است که به تنهایی بجا می آورند. به تعبیر دیگر با خواندن یک نماز جماعت دو نفره، پاداش پنج ماه نماز به شما داده خواهد شد و اگر شمار نمازگزاران جماعت به سه نفر برسد، یعنی امام و دو مأوم، آن گاه ثواب نماز هر کدام شان ششصد برابر می شود و اگر سه نفر به امام جماعت اقتدا

۱. آقا رضا همدانی، مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۶۸۰.

کنند، ثواب هر رکعت نمازشان هزار و دویست برابر می شود و هرچه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و چون شمار آنان از ده نفر گذشت اگر تمام دریاها مرکب و درخت ها قلم و جن و انس نویسنده شوند نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند. آنچه درباره پاداش نماز جماعت بیان شد، اختصاص به مأمومین دارد و پاداش امام جماعت به اندازه ثواب کل مأمومین است.

آیا نباید بر کسی که خود را از این پاداش عظیم محروم کند تأسف خورد؟ بنابراین، برای این که دچار افسوس نشوید کسانی که اهل مسجد هستند نماز جماعت را در مسجد بجا آورند تا خدای متعال ثواب بیشتری به آنان عطا کند و کسانی نیز که به دلیل بچه داری و خانه داری نمی توانند برای ادای نماز جماعت به مسجد بروند - مثلاً - نمی توانند کودکان خود را تنها بگذارند یا به دلیل بیماری و دور بودن راه توان رفتن به مسجد را ندارند، در منزل خودشان نماز را به جماعت برگزار کنند تا از این پاداش عظیم بهره مند شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای برپا شدن همین شعائر زحمت کشیدند و امام حسین علیه السلام برای عمل به همین شعائر دینی به شهادت رسیدند.

هر چند خواندن نماز به جماعت مستحب است، ولی جا دارد همان گونه که به مستحبات دنیایی عمل می کنیم به این مستحبات شرعی نیز پای بند باشیم.

قرآن کریم به رقابت و مسابقه در امور دینی و از جمله امور مستحب در دین که برگزاری نمازهای یومیه به جماعت است، فرا می خواند. بنابراین نماز جماعت را ترک نکنید، در مسجد، منزل، مدرسه، و محل کار نماز را به جماعت بجا آورید تا از پاداش عظیم آن بهره مند شوید.

یک مسأله شرعی

یک مسأله شرعی در این زمینه وجود دارد که به اختصار آن را بیان می کنم و آن این که امام جماعت باید عادل باشد، البته خانمی که می خواهد امام جماعت خانم ها را برعهده گیرد لازم نیست خودش را عادل بداند، بلکه خانمی که می خواهد به او اقتدا کند باید او را عادل بداند.

فقها می گویند: عدالت مراتب عالی، متوسط و حداقلی دارد و اگر خانمی کمترین مرتبه عدالت را هم داشته باشد می تواند امام جماعت شود و خانم های دیگر نیز می توانند به او اقتدا کنند. شایان توجه است که کمترین مرتبه عدالت این است که انسان از گناه بدش بیاید.

مثلاً برخی افراد اخلاق تندی دارند و با همه درگیر می شوند، اما برخی افراد از درگیری بدشان می آید و با هیچ کس درگیر نمی شوند و هیچ گاه به دیگران تندی نمی کنند و چنانچه تندی کنند فوراً پشیمان می شوند و پوزش می طلبند. قرآن در توصیف این افراد می فرماید:

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ^۱ و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد آورند و برای گناهان شان آمرزش می خواهند.

به دیگر تعبیر، عادل به کسی گفته می شود که اگر مرتکب گناه شود نگوید: مهم نیست، بلکه پس از ارتکاب گناه پشیمان شود و استغفار کند و اگر بار دیگر فریب شیطان را بخورد، باز استغفار کند، اما کسی که اصلاً گناه نمی کند عادل خوانده نمی شود، بلکه چنین کسی معصوم است زیرا تنها انسان معصوم اصلاً گناه نمی کند.

بنابراین، مسأله عدالت در امام جماعت مسأله مشکلی نیست و خانمی که کمترین مرتبه عدالت را داشته باشد بانوان می توانند نماز جماعت را به امامت او بجا آورند و البته در هر منزل و فامیلی چنین مسلمانانی که از گناه کردن خوششان نیاید وجود دارند، پس حال که فرصت و زمینه فراهم است خود را از آن پاداش عظیم محروم نکنید.

محاسبه نفس

دومین موضوع بایسته بیان این است که حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام لیستی دارند که نام برخی از خانمها و آقایان در آن نوشته شده است و بالای این فهرست تیتري با این عنوان نوشته است:

لیس منّا؛ از ما نیست.

اکنون پرسش این است که کدام یک از شما بانوان محترم دوست دارد نامش ذیل عنوان «از ما نیست» ثبت شود؟ به یقین هیچ کس، چه این که ثبت شدن نام هرکسی در آن لیست، به این معناست که به حضرت امیرمؤمنان علیه السلام اعلام کرده است من از شما نیستم، آن گاه خود را از آثار وجود پر برکت آنان در قیامت محروم می کند.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تشریح «لیس منّا» فرمودند:

لَيْسَ مِنَّا، مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ؛^۱ کسی که هر روز نفس خود را محاسبه نکند، از ما نیست.

برای این که بتوانیم اگر نام ما در آن لیست ثبت شده است، آن را حذف کنیم، باید حداقل روزی پنج دقیقه در تنهایی، کارهای شب و روز گذشته خود را مرور کنیم و گفتار و کردار خود را وارسیم و ببینیم آیا آن اعمال مورد قبول خود ما هست یا نه؟ اگر مورد قبول ما هست آن را ادامه دهیم و الا، تصمیم بگیریم از آن تاریخ، آن عمل را تکرار نکنیم. این دو مطلب برای کسانی که می دانند به عنوان تذکر و برای کسانی که نمی دانند به عنوان ارشاد بیان شد.

امام حسین علیہ السلام

و برای دین

از آن جا که پیامبران الهی همگی از سوی خدای یگانه برانگیخته شده اند، دین آنها نیز یگانه است. از همین رو می فرماید:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى؛ آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم.

توصیه خدا به پیامبران

اما ببینیم توصیه خدا به پیامبران بزرگوار، یعنی نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت خاتم النبیین ﷺ چیست؟
خدای متعال ذیل آیه یادشده می فرماید:
أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ؛ دین را برپا دارید.

از نظر قواعد نحوی «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» بدل «وَمَا وَصَّيْنَا» است، یعنی چیزی که خدای سبحان به پیامبران بزرگوار - از جمله حضرت خاتم الانبیاء ﷺ - سفارش کرده برپایی دین است.

انسانی که بر پاهای خود ایستاده، فعالیت های زندگی اش را به طور طبیعی انجام می دهد، اما بیماری که قدرت برخاستن و ایستادن روی پاهای خود را ندارد چنین نیست و نمی تواند فعالیت های طبیعی خود را به درستی انجام دهد. به همین سان دین نیز اگر از صحنه زندگی دور نگاه داشته شود پایا نخواهد بود، لذا خدا به پیامبران سفارش کرده است که دین را برپا دارند.

خدای متعال در قرآن کریم فرموده است:

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ؛^۱ آیینی را بر شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود، و آنچه بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید.

دین خدا یکی است.

دین عبارت است از شیوه رفتار و منش انسان در زندگی. بنابراین، آیین یهودیت همان شیوه رفتار یهودیان و آیین مسیحیت شیوه رفتار مسیحیان در زندگی است و به همین سان دین اسلام نشان دهنده شیوه رفتاری است که برای زندگی مسلمانان ترسیم شده است.

خدای متعال در آیه یادشده به مسلمانان یادآوری می کند، آیینی که برای آنان تشریع کرده با آیین هایی که برای نوح، ابراهیم، موسی و عیسی ﷺ تشریع نموده است تعارض ندارد. شیوه و راه همه انبیای الهی یکی است و همان راهی است که رسول خدا حضرت محمد ﷺ به مردم نشان داده اند.

۱. شوری (۴۲)، آیه ۱۳.

جایگاه والای سیدالشهدا (علیه السلام) در آسمان ها

حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) دین جدشان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را برپا داشتند و اگر ایشان نبودند، در پیکر اسلام رمقی نمی ماند. این مطلب چیزی است که در این گفتار آن را تبیین خواهیم کرد، باشد که بخشی ناچیز از مسئولیت خود را در قبال آن بزرگوار ادا کنیم، چراکه سخن گفتن از سیدالشهدا (علیه السلام) سخن گفتن از خدای سبحان، قرآن، رسالت، حق و همه فضیلت هاست.

خدای متعال در چند جا ماجرای «اسراء» و معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آسمان ها بیان داشته است، از جمله در سورة نجم فرموده است:

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛^۱ آن گاه نزدیک و نزدیک تر آمد تا فاصله اش به قدر دو کمان یا کمتر شد.

از ابن عباس روایت شده است که گفت:

فلما بلغ (صلی الله علیه و آله) إلى سدرۃ المنتهی فأنتهی إلى الحجب، فقال جبرئیل: تقدم یا رسول الله، لیس لی أن أجوز هذا المكان ولو دنوت أنملة لأحترقت؛^۲ هنگامی که پیامبر به سدرۃ المنتهی رسیدند و حجاب ها را درنوردیدند جبرئیل به آن حضرت عرضه داشت: پیش تر رو ای رسول خدا که مرا رخصت در گذشتن از این مکان نیست و اگر به قدر یک انگشت نزدیک تر شوم خواهم سوخت.

۱. نجم (۵۳)، آیات ۸ و ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۶ (به نقل از: مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۵۶).

در روایت دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

فلما انتهیت إلى حجب النور، قال لی جبرئیل: تقدم یا محمد، وتخلّف عني، فقلت: یا جبرئیل، فی مثل هذا الموضع تفارقني؟ فقال: یا محمد، إن انتهاء حدی الذي وضعني الله عزّوجلّ فيه إلى هذا المكان، فإن تجاوزته احترقت أجنحتي بتعدّي حدود ربي جلّ جلاله. فزجّ لی فی النور زجة حتى انتهیت إلى ما شاء الله من علو ملکة؛^۱ وقتی به حجاب های نور رسیدم جبرئیل به من گفت: «پیش رو» و همراه من نیامد.

گفتم: ای جبرئیل، در چنین موقعیتی از من جدا می شوی؟ گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله) حدی که خدای متعال برایم مقرر داشته به همین جا ختم می شود. اگر از این پیش تر روم، به سبب تعدی از حدود الهی بال هایم خواهد سوخت. سپس در میان نور افکنده شدم و به جاهای بالایی که خدا اراده فرموده بود رسیدم.

در این جا هنگامی که خدای متعال حبیب خود را به این مرتبه والا رساند، نشانه های بزرگ خود را به او نشان داد. خدای متعال در این باره می فرماید:

لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى؛^۲ او پاره ای از نشانه های بزرگ پروردگارش را به عیان دید.

۱. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۵ حدیث ۱.

۲. نجم ۵۳، آیه ۱۸.

یکی از آیات بزرگی که رسول خدا ﷺ در این هنگام مشاهده کردند جایگاه والای نواده ارجمندشان حضرت سیدالشهدا علیه السلام و عظمت ایشان در آسمان ها بود.

از خود امام حسین علیه السلام در این معنا روایت شده است که فرمودند:

أَتَيْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَرَأَيْتُ أَبِي بَنَ كَعْبٍ جَالِسًا عِنْدَهُ، فَقَالَ جَدِّي: مَرْحَبًا بِكَ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقَالَ أَبِي: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَهَلْ أَحَدٌ سِوَاكَ زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَبُي بَنَ كَعْبٍ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، إِنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فِي السَّمَاوَاتِ اعْظَمُ مِمَّا هُوَ فِي الْأَرْضِ، وَاسْمُهُ مَكْتُوبٌ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ: إِنْ الْحُسَيْنِ مُصْبِحَ الْهَدْيِ وَوَسْفِيَةِ النِّجَاحِ؛^۱ نَزَدَ جَدِّمُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَفْتَمُ وَدِيدَمُ أَبِي بَنَ كَعْبٍ نَزَدَ إِيشَانِ نَشِيسْتَه اسْت. جَدَم بَه مَن فَرَمُودَنَد: خُوش أَمْدَى اِی زینت آسمان ها و زمین.

أَبی از آن حضرت پرسید: ای رسول خدا، آیا کسی جز شما زینت آسمان ها و زمین است؟

ایشان فرمودند: ای ابی بن کعب، قسم به خدایی که مرا به نبوت برانگیخته است منزلت حسین بن علی علیه السلام در آسمان ها عظیم تر از منزلت او در زمین است و نام او در سمت راست عرش چنین نوشته شده است: همانا حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

از آنچه گفتیم دانسته می شود که زائر امام حسین باید بداند، در حال زیارت در برابر چه کسی ایستاده و با چه شخصیتی در حال گفتگوست. اگر چنین باشیم و از اهمیت این مطلب آگاهی داشته باشیم، هنگام زیارت هیچ چیز نمی تواند ذهن ما را به خود مشغول دارد. امام صادق علیه السلام درباره زائران عارف به حق امام حسین علیه السلام فرمودند:

مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَى عِلِّيْنِ؛^۱ کسی که به زیارت امام حسین رود و عارف به حق ایشان باشد، خدای متعال نام او را در اعلی علین مرقوم خواهد داشت.

خدای سبحان، اشرف انبیا و صاحب خطاب «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتَ الْاَفْلَاقَ؛ [ای پیامبر] اگر تو نبودی افلاک را نمی آفریدم» را به چنین میهمانی بی مانندی فرا خوانده تا از این زاد و توشه های معنوی و آیات کبرای الهی - که یکی از این آیات کبری «حسین چراغ هدایت و کشتی نجات» است - برخوردار شود. آیا ما نسبت به حق امام حسین علیه السلام، چنان که باید و شاید معرفت داریم؟

نیروی محدود اندیشه ما کجا و درک عظمت امام حسین علیه السلام کجا؟ امامی که خدای سبحان او را از آیات کبری می شمارد و «چراغ هدایت و کشتی نجات» اش می خواند؛ عبارتی که پیش از زاده شدن امام حسین علیه السلام بر ساق عرش نوشته شده است.

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۱۰، حدیث ۲.

۱. بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۲، ص ۳۲۷.

جا دارد بپرسیم: چرا خدای متعال این تعبیر را که دربارهٔ نواده پیامبر اکرم ﷺ است به آن حضرت نشان می دهد و آن را آیتی بزرگ می شمارد؟ و چه رازی در پس این کار نهفته است؟ در پاسخ باید گفت: امام حسین (علیه السلام) بهترین کسی بودند که آیه آغاز این گفتار و سفارش خدای متعال به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی یعنی «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» را اجرا نمودند.

آن حضرت دین خدا را برپا داشتند و شریعت جدشان را از خطر نابودی حفظ کردند. اگر سیدالشهدا (علیه السلام) نبودند امروزه از نماز و روزه اثری برجا نبود و هیچ کس به حج خانه خدا نمی رفت، زیرا بنی امیه، اسلام را در آستانه نابودی کامل قرار داده بودند، اما امام حسین (علیه السلام) با خون خود و خاندانشان آن را حفظ کردند و برپا داشتند.

نمونه ای از تلاش های بنی امیه برای نابودکردن دین

● کینه معاویه نسبت به دین و مقام رسالت

معاویه بن ابی سفیان دوست و ندیمی به نام مغیره بن شعبه داشت که همانند و هم پیاله وی بود.

مطرف فرزند مغیره بن شعبه می گوید:

پدرم همیشه نزد معاویه می رفت و با او گفتگو می کرد و هنگامی که نزد من بازمی گشت از او و زیرکی اش سخن می گفت و از کارهای او اظهار شگفتی می نمود. یک شب که از نزد معاویه بازگشت لب به غذا نزد و اندوهگین به نظر می رسید. گمان کردم از دست ما ناراحت شده است، لذا ساعتی درنگ کردم، سپس پرسیدم: چرا امشب تو را اندوهگین می بینم؟

گفت: پسر، من از نزد کافرترین و خبیث ترین مردم می آیم.

گفتم: منظورت چه کسی است؟

گفت: در خلوت به معاویه گفتم: دیگر سنی از تو گذشته است و پیر شده ای. کاش راه عدل و خیرخواهی پیش می گرفتی و به برادرانت بنی هاشم و به خویشاوندان رسیدگی می کردی. به خدا قسم امروز چیزی ندارند که از آن بترسی، وانگهی این کار نام نیکی برایت بر جا می نهد و ثوابش برایت باقی می ماند.

معاویه گفت: هیهات هیهات! به کدام نام نیک دلخوش باشم. برادر تیمی ما (ابوبکر) راه عدالت در پیش گرفت و کارها کرد، اما به محض آن که مُرد نامش نیز از یادها رفت. مگر این که کسی بگوید: ابوبکر چنین بود. پس از او برادرمان از خاندان عدی (عمر) بر سر کار آمد و آستین بالا زد و ده سال تلاش کرد، اما او نیز به محض آن که مرد، نامش نیز به فراموشی سپرده شد. مگر این که کسی از عمر یادی کند و بگوید: عمر چنان بود...، اما نام محمد ﷺ روزانه پنج بار به بانگ بلند یاد می شود و می گویند: «أشهد أن محمداً رسول الله». با این اوصاف چه کاری می ماند و چه نامی پایدار خواهد ماند؟ نه - ای بی پدر - به خدا قسم که جز به دفن کردن کامل این نام رضایت نخواهم داد.^۱

۱. طبری، المسترشد فی الامامة، ص ۶۸۰.

• یزید و انتقام کشتگان بدر

از ماجرای فوق به طرز فکر معاویه پی بردیم، اما فرزندش یزید پس از آن که نواده رسول خدا ﷺ را به قتل رساند، اندیشه هایی که نهان می داشت فاش کرد و آشکارا گفت:

سالار قوم و سرور خاندانشان را کشتیم؛ این کار را به تالوان کشتگان بدر انجام دادیم و اکنون بی حساب شده ایم [و کشته هایمان برابر شده است].
بنی هاشم شوکت شاهی را به بازی گرفتند؛ نه خبری از آسمان نازل شده و نه وحیی فرود آمده است.^۱

وی در ابیات دیگری گفته است:

هنگامی که آن شتران و نیز آن سرها از فراز تپه «جیرون» پدیدار شدند؛ کلاغ بانگ برآورد.

گفتم: می خواهی بانگ کن و می خواهی نکن؛ چراکه من تقاص خود را از پیامبر به تمامی ستاندم.^۲

این بیان یزید بدان معناست که با به شهادت رساندن نواده پیامبر ﷺ، انتقام اجداد کافر خود را که در جنگ بدر کشته شده بودند، از رسول خدا

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۴:

قد قتلنا القرم من ساداتهم
لعبت هاشم بالملك، فلا
وعدلناه ببدر فاعتدل
خبر جاء ولا وحی نزل

۲. ابن الدمشقی، جواهر المطالب فی مناقب الإمام علی علیه السلام، ج ۲، ص ۳۰۱:

لما بدت تلك الحمول، و أشرقت
نعب الغراب فقلت: صح أو لا تصح
تلك الرؤوس على ربا جیرون
فلقد قضيت من الرسول دیونی

گرفت. یزید کل ماجرا را صرفاً نزاعی میان دو قبیله می دید و از نظر او وحی، دین یا نبوت وجود خارجی ندارد و بهشت و دوزخی در کار نیست.

• خلیفه ای که دوست داشت بر بام کعبه فسق و فجور کند!

نمونه سوم مربوط به یکی دیگر از خلفای بنی امیه یعنی «ولیدبن یزید» است.

ابن اثیر می گوید: ولیدبن یزید برای خود ندیمانی انتخاب کرد. هشام برای آن که او را از آن ندیمان جدا کند او را متولی امور حج نمود... ولید چند سگ را در صندوق (قفس)هایی نهاد و به همراه خود برد. او خیمه ای به اندازه کعبه ساخت تا آن را روی کعبه قرار دهد. همچنین به همراه خود شراب برد و قصد داشت که آن خیمه را روی کعبه نصب کند و درون آن به می گساری بپردازد.^۱

از دیگر ماجراهای او این است که در حال مستی با کنیزی همبستر شد. هنگامی که مؤذنان اذان گفتند، سوگند یاد کرد که باید آن کنیز پیش نماز مردم شود. آن کنیز لباس های ولید را به تن کرد و چهره خود را پوشاند تا مردم او را نشناسند و در حالی که مست و جنب و آلوده به نجاسات بود برای مسلمانان نماز خواند.^۲

از چنین ماجراهایی دانسته می شود که چگونه و با چه زحمتی امام حسین علیه السلام دین جد خود را از چنگال امویان نجات داد و چگونه

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۶۷ ذکر یعة الولیدبن یزید.

۲. مازندرانی، شرح اصول الکافی، ج ۵، ص ۱۴۳.

وصیت خدا به پیامبر اولوالعزم را تحقق بخشید. از این روست که رسول خدا ﷺ مشاهده فرمودند بر ساق عرش نوشته شده است: «حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است».

آیا نه این است که هر نمازی که روی کره زمین خوانده می شود، مدیون امام حسین ﷺ است؟ آیا خون مبارک ایشان بر کعبه و بیت الحرام حق ندارد؟ اگر از خودگذشتگی و کوشش آن جناب و خون ایشان نبود امروزه نه نماز و روزه ای وجود داشت و نه خمس و زکاتی پرداخت می شد و نه از دیگر احکام خدا اثری برجا مانده بود.

آنچه گفتیم مثنی از خروار بود. تاریخ را بنگرید تا دریابید امویان می خواستند چه بلایی بر سر اسلام بیاورند و نقش امام حسین ﷺ در حفظ اسلام چه بوده است.

تاریخ را مطالعه کنید تا بدانید چرا خدای متعال از زبان پیامبر ﷺ درباره امام حسین ﷺ فرموده است:

حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

حسین منی وأنا من حسین

از آنچه گذشت تفسیر این حدیث رسول خدا ﷺ دانسته می شود که می فرمایند:

حسین منی وأنا من حسین؛^۱ حسین از من است و من از حسینم.

۱. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۱۸.

این که امام حسین ﷺ از پیامبر ﷺ و نواده اوست جای بحث ندارد، اما چگونه ممکن است جد از نواده، یعنی پیامبر ﷺ از امام حسین ﷺ باشد؟ بی تردید منظور پیامبر ﷺ از این سخن استمرار رسالت ایشان است و این حدیث شریف نبوی برگرفته از همان جمله ای است که بر ساق عرش الهی نقش بسته است، زیرا بقای نام مبارک پیامبر ﷺ و این که روزانه چند بار از فراز گلدسته ها ندای «اشهد أن محمداً رسول الله» سر داده می شود، نتیجه فداکاری های امام حسین ﷺ است. اگر آن جناب نبودند، معاویه و یزید و پس از آنان آل مروان این نام را یکسره می زدودند و جاهلیت از نو بازمی گشت. معاویه چنین نقشه پلیدی در سر داشت، ولی از آن جا که خدای متعال می خواست از طرق و اسباب طبیعی - و نه غیبی - دین خود را نجات دهد مشیت او بر این تعلق گرفت که امام حسین ﷺ را کشته ببیند. از این جاست که می گوییم: نجات دین خدا وابسته به خون امام حسین ﷺ بود و اگر شهادت امام حسین و اهل بیت ایشان ﷺ نبود، از اسلام اثری برجا نمی ماند، چنان که تاریخ گواه این مدعاست.

بنابراین، هر مسجدی که امروزه وارد آن می شویم مدیون امام حسین ﷺ است و هر نماز، روزه، امر به معروف، نهی از منکر، نیکی به پدر و مادر و هر عمل مخلصانه ای که به جا آورده می شود و حتی نام مبارک رسول خدا ﷺ که از فراز مأذنه ها برده می شود، همه و همه از امام حسین ﷺ است و این معنای این سخن رسول خداست که فرمودند: «أنا من حسین».

اگر امام حسین علیه السلام نبودند نام مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله - همچنان که معاویه آرزو داشت - همانند نام ابوبکر و عمر می بود و حداکثر گاهی از ایشان نیز یاد می شد و می گفتند: «محمد صلی الله علیه و آله چنین و چنان بود»، اما این که نام ایشان روزانه پنج بار در اذان برده می شود و با تعالیم ایشان نظیر: نماز، روزه، حج و تمام دین قرین است مرهون خون سیدالشهدا علیه السلام است. اکنون معنای این جمله زیارت آن حضرت روشن تر می شود آن جا که می خوانیم:

أشهد أنك قد أقمّت الصلاة؛ گواهی می دهم که تو نماز را برپا داشتی

روشن است که اگر آن حضرت نبودند، هیچ کس نماز نمی گزارد. مرحوم شیخ محمد شریعت یکی از علمای شیعه و معاصران ما که در نجف اشرف و کربلای معلّا می زیست و اصل ایشان از کراچی بود، با کشیشی مسیحی پیوند دوستی داشت و از قول ایشان می گفت:

شما شیعیان شخصیتی چون امام حسین علیه السلام را دارید، ولی چنان که باید از آن استفاده نمی کنید. اگر امام حسین علیه السلام از آن ما بود در هر وجه از زمین به نام ایشان منبری می نهادیم تا مردم را گرد آن جمع کنیم و دینمان را تبلیغ نماییم و همه انسان های روی زمین را به سوی ایشان فرامی خواندیم.

امام حسین علیہ السلام
کفنیل پیروان

...و تَضَعُ كُلُّ ذَاتٍ حَمْلًا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ...؛^۱ و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد و مردم را مست می بینی و حال آن که مست نیستند.

بعنوان مثال و به منظور ملموس شدن این حالت، شخصی که شراب خورده، چشم دارد اما به دیوار می خورد، صدا را می شنود اما صدا به مغزش منعکس نمی شود، حس دارد، اما اگر در مقابلش آتش بگذارند خودش را عقب نمی کشد. قرآن کریم می فرماید: «در قیامت مردم شراب نخورده اند، ولی چنانند که گویی از شراب سیراب شده اند و از شدت وحشتی که دارند، اعضا و جوارحشان درست عمل نمی کند».

از جمله روایاتی که در بیان سختی مرگ و پس از آن آمده، این سخن امام صادق علیه السلام است که فرمودند:

لو عرفت البهائم من الموت ما تعرفون، ما أكلتم منها سمينا قط؛^۲ اگر چارپایان و دام ها آنچه را که شما از مرگ می دانید، می دانستند، به یقین [از غصه و اندوه چنان لاغر می شدند که] هرگز گوشت پروار نمی خوردید.

به هر حال، این شخص در عالم رؤیا تشنگی و گرسنگی روز قیامت را دید. جن و شیاطین که تعدادشان از انسان بیشتر است و فرشتگان که از اجنه و شیاطین و انسان ها بیشترند، همه در

تلنگری مهر آمیز

بعضی افراد به سبب سوابق خویشان مورد لطف اهل بیت علیهم السلام قرار می گیرند و البته گاهی اهل بیت علیهم السلام آن ها را تنبیه می کنند تا از کرده بد خود پشیمان شده، به مسیر درست باز گردند. اگر این تنبیه ها نباشد، ما می مانیم و بار حسرت هایی که در قیامت بر دوش خواهیم کشید.

بی حرمتی به حریم سیدالشهدا علیهم السلام

در کربلای معلا، دو رفیق بودند که با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام میانه ای نداشتند و اگر کسی از بستگانشان می خواست در عزاداری آن حضرت شرکت کند، او را مسخره می کردند. البته آنها از جمله کسانی بودند که قابلیت خوب بودن را داشتند، اما نفس اماره و رفیق نااهل از راه روشن و صراط مستقیم دورشان کرده، به بیراهه برده بود. آن دو چند سالی را به همین منوال سپری کردند تا این که یکی از آن ها شبی در عالم رؤیا دید که قیامت برپا شده است؛ قیامتی که اوصاف هولناک آن را قبلاً در بیان آیات قرآن کریم شنیده بود، آن جا که می فرماید:

۱. حج (۲۲)، آیه ۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۸۸.

صحرای محشر جمع بودند. آن شخص در این میان جای بزرگی را دید که اهل آن در کمال آسایش به سر می بردند، چنان که قرآن کریم درباره شان می فرماید:

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ^۱ از چهره های شان طراوت نعمت [بهشت] را در می یابی.

پرسید: آن جا چه خبر است؟

ملائکه گفتند: آن جا امام حسین علیه السلام نشسته اند و افرادی به آن جا می روند که به نوعی در دنیا با ایشان رابطه داشته اند.

این شخص و رفیقش گفتند: ما هم به آن جا برویم تا از این وانفسا نجات بیابیم. جلو رفتند تا به آن جا رسیدند، اما فرشتگانی که آن جمع را در میان گرفته بودند، گفتند: شما حق ندارید وارد شوید.

پرسیدند: چرا؟ ما که در دنیا به امام حسین علیه السلام اعتقاد داشتیم و به ایشان علاقمند بودیم.

فرشتگان گفتند: به ما نام هایی داده اند و گفته اند: این افراد حق ورود به این جا را ندارند و شما از آن جمله اید.

پرسیدند: چرا؟

پاسخ دادند: چون شما عزاداران سیدالشهدا علیه السلام را مسخره می کردید.

گفتند: اکنون توبه می کنیم.

پاسخ شنیدند: این جا، جای توبه نیست! و هرچه التماس کردند به آنها اجازه ورود به آن جمع را ندادند.

در آن هنگام وحشت زده از خواب پرید و دید یکی دو ساعت به اذان صبح مانده است. برخاست و وضو گرفت و به طرف خانه دوستش روانه شد و با دیدنش گفت: وضو بگیر.

پرسید: مگر چه شده است؟

گفت: وضو بگیر، در راه برای تعریف می کنم.

پرسید: کجا برویم؟

گفت: به حرم مطهر امام حسین علیه السلام.

گفت: الآن درب حرم بسته است.

گفت: اشکالی ندارد، پشت در منتظر می مانیم تا درب را باز کنند.

در بین راه ماجرا را برای دوستش تعریف کرد و گفت: من آمده ام تا دیر نشده چاره ای بیندیشم. آن گاه هر دو وارد حرم سیدالشهدا علیه السلام شده، توبه کردند و به حضرتش متوسل شدند. فردای آن روز نزد بستگان خود رفته به جهت مورد تمسخر قرار دادن شان از آنان معذرت خواهی کردند و مقدار زیادی اموالشان را صرف عزاداری کردند و کار به جایی رسید که در این زمینه از دوستان خود پیشی گرفتند.

خدا مرحوم والد و مرحوم اخوی^۱ را رحمت کند! آن دو بزرگوار می فرمودند: فکر زحمت خدمت در راه اهل بیت علیهم السلام را نکنید، به فکر

۱. آیت الله العظمی میرزا مهدی شیرازی رحمته الله و آیت الله العظمی سید محمد شیرازی رحمته الله.

۱. مطففین (۸۳)، آیه ۲۴.

اجر و ثواب آن باشید. انسان در قیامت وقتی سود اعمال نیک را ببیند افسوس می خورد، اما دریغ که قدرت تحصیل آن را ندارد.

کفالت امام حسین علیه السلام

در یکی از زیارت های مخصوصه امام حسین علیه السلام - که به نقل شیخ صدوق رحمته الله از صحیح ترین زیارات سیدالشهدا علیه السلام است و مرحوم شبخ عباس قمی رحمته الله در زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام و مرحوم اخوی^۱ در کتاب الدعاء والزیارة به عنوان دومین زیارت نقل کرده اند - جمله ای وجود دارد که در زیارات دیگر نیست و آن این که خطاب به امام علیه السلام عرض می کند:

والسبیل الذی لا یختلج دونک فی الدخول فی کفالتک الی امرت بها...^۲ به راه استوار راهنمایم شوی که از ورود در کفالت تو - که خدا بدان فرمانت داده - بازم ندارد.

به نظر بنده ارزش این جمله از کل دنیا بیشتر است، چرا که در این یک جمله به اندازه یک کتاب سخن نهفته است و اجمالاً معنی آن را عرض می کنم.

در اسلام «کفالت» داریم و «ضمانت». ضمانت مربوط به امور مالی است، مثلاً شما از شخصی پول طلب دارید، شخص دیگری او را ضمانت می کند. در این مورد اگر بدهکار، بدهی خود را نپردازد شما به ضامن

۱. همان.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۷۶؛ کامل الزیارات، ص ۳۶۵ و جز آن.

مراجعه می کنید، اما کفالت در مورد شخص است، مانند متهمی که هنوز موعد دادگاهش فرا نرسیده و او را در بازداشت نگه می دارند. شخص معتبری به دادگاه می رود و می گوید: شما این متهم را آزاد کنید، هر وقت لازم شد، خودم او را به دادگاه می آورم. این معنای کفالت است.

آن قدر که بنده خوانده ام و شنیده ام، در میان چهارده معصوم علیهم السلام این جمله فقط در مورد امام حسین علیه السلام وجود دارد، یعنی حضرتش عده ای از بندگان را کفالت می کند، بدین صورت که امام علیه السلام در دادگاه عدل الهی شخص را آزاد می کنند.

در این زیارت عرض می کنیم: یا ابا عبدالله، کفالت من را بعهده بگیر. این گونه خواستن را امام صادق علیه السلام به شیعیان آموزش داده اند.

از امام حسین علیه السلام چه بخواهیم؟

حقیقت این است اگر از امام حسین علیه السلام پول بخواهیم، سرانجام تمام می شود و اگر فرزند بخواهیم روزی از او جدا می شویم. بنابراین ارزش هیچ کدام از اینها به کفالت امام حسین علیه السلام نمی رسد و جای آن را پر نمی کند. باید توجه داشت که امام حسین علیه السلام هر کسی را کفالت نمی کنند، بلکه برخورداری از کفالت ایشان شروطی دارد و آمادگی و قابلیت می خواهد. حال اگر کسی بخواهد از این عطیه امام حسین علیه السلام برخوردار شود باید خود را به رنگ حسینی در آورد. اگر فرد کثیف یا آلوده به نجاست به شما التماس کند که او را به مجلس عالمان، پرهیزگاران و مؤمنان ببرید،

یقیناً شما نمی پذیرید، زیرا می دانید اجابت چنین خواسته ای اهانت به اشخاصی است که در آن مجلس حضور دارند. امام حسین (ع) نیز کسی را کفالت می کنند که لیاقت داشته باشد و البته کلید این لیاقت در دست خود شخص است.

مسلمانان به خدمت اهل بیت (ع) راه می یابند که با آنها سنخیت داشته باشند. پس خود را وارسیم و ببینیم چه مقدار با اهل بیت (ع) تناسب داریم؟ و البته این سنخیت و تناسب با دینداری تحقق می یابد. اهداف مقدس امام حسین (ع) که به شهادت شان انجامید، بر کسی پوشیده نیست و آن حضرت خود و فرزندان و برادران و اصحاب را حتی شیرخواره شان را در راه اسلام و حفظ دین فدا کردند و بی پروای از دشمن و دین ستیزان، به زبان حال فرمودند:

اگر دین محمد (ص) جز به کشته شدنم قوام نمی یابد؛ پس ای شمشیرها مرا بگیرید.^۱

مضمون آن این است که قیمت دین از من بیشتر است، پس من خود را فدای دین می کنم.

حال اگر کسی درباره ماهیت دین بپرسد، پاسخ این است که دین، یعنی واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات، مباحات. از این رو هر قدر پابندی انسان به دین بیشتر باشد، به امام حسین (ع) نزدیک تر است.

۱. موسوعة کلمات الإمام الحسين (ع)، ص ۱۰: إن کان دین محمد لم یستقم إلا بقتلی فیا سیوف خذینی.

برترین افتخار

بالاترین افتخار و سربلندی ما این است که امام حسین (ع) ما را به فرزندی بپذیرند. راستی چیزی بالاتر از این وجود دارد؟ اگر شما را مخیر کنند بین انتخاب یک خانه پانصد میلیون تومانی و این که امام حسین (ع) شما را به فرزندی بپذیرند، کدام را ترجیح می دهید؟ البته بالاترین افتخار این است که امام حسین (ع) پدر ما باشند و توجه داشته باشیم که شیعیان غیر سید نیز فرزندان معنوی امام (ع) هستند. پیامبر (ص) در این معنا فرمودند:

أنا وعلی أبوا هذه الأمة؛^۱ من و علی دو پدر این امت هستیم.

امام حسین (ع) نیز فرزند پیامبر (ص) و امیرمؤمنان (ع) است. توضیحا عرض شود که خیلی از شماها فرزند دارید، اما هیچ یک از شما مایل نیست که فرزندان شما با هم اختلاف داشته و با یکدیگر قهر باشند.

بی تردید عواطف امام حسین (ع) از عواطف من و شما بیشتر است و به طریق اولی چنین چیزی را برای ما نمی پسندند و خوش ندارند.

کسانی که در مراسم عزاداری آن بزرگوار فعالیت دارند، سعی کنند در مورد اختلاف نظرها با همدیگر صحبت کنند و اگر با گفتگو به جایی نرسیدند، یک طرف کوتاه بیاید. این کوتاه آمدن برای امام حسین (ع)

۱. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۰۰؛ سعد السعود، سید ابن طاووس، ص ۲۷۵ و جز آن.

قیمتش بیشتر است و امام علیه السلام بیشتر به چنین کسی عنایت می کند، چون برای رفع نزاع پیش قدم شده و در واقع فروتنی کرده است. سعی کنید به سبب اختلاف سلیقه و کم و زیادهای اتحاد فرزندان امام حسین علیه السلام از بین نرود و دچار تفرقه نشوند.

در روایت آمده است که هم شیطان جن وجود دارد، هم شیطان انس که همواره مشغول فتنه انگیزی هستند و از کار خود دست بر نمی دارند و هر کدام سعی می کنند بین افراد با امام حسین علیه السلام فاصله بیندازند و البته اگر در کار خود موفق شوند غرق در شادی می شوند.

سعی کنیم بین ما و آن حضرت فاصله نیفتد و اگر - خدای ناکرده - فاصله ای هم هست آن را کم کنیم، چراکه کم و زیاد کردن این فاصله به انتخاب خودمان است.

عرصه آزمون الهی

اراده خدای متعال بر این تعلق گرفته است که همگان در هر روزگاری امتحان شوند و این مطلبی است که در قرآن کریم آمده و ائمه اطهار علیهم السلام و خود امام حسین علیه السلام نیز به این امر تصریح داشته اند.

شش ماه قبل از واقعه کربلا افراد بسیاری به امام حسین علیه السلام عرض کردند که به کربلا نروید. چرا از این سفر صرف نظر نمی کنید؟ امام علیه السلام فرمودند:

...فإذا أقمت في مكاني فما يمتحن هذا الخلق المتعوس؟^۱ اگر

من در جای (شهر) خود بمانم، خدا به چه وسیله ای این خلق نگون بخت را بیازماید؟

۱. سید ابن طاووس، اللهوف في قتلى الطفوف، ص ۶۶.

این امتحان فقط در روز عاشورا نبوده است. یک عده امام حسین علیه السلام را شهید کردند و یک عده نماز مغرب وعشا را پشت سر ایشان خواندند، ولی بعد امام علیه السلام را تنها گذاشتند. گروهی نیز در روز عاشورا به ایشان پیوستند. اگر امام حسین علیه السلام نبودند این آزمون واقع نمی شد و البته این امتحان ها امروز هم وجود دارد. باید حواسمان جمع باشد و فاصله های میان خود را کم کنیم و نگذاریم اتحادمان از بین برود و در راه حضرت سیدالشهدا علیه السلام با تمام توان بکوشیم تا از کفالت حضرتش برخوردار شویم، چه این که هرکس بیشتر زحمت خدمت در این دستگاه را بر خود هموار کند، از کفالت امام حسین علیه السلام بهره مند خواهد بود.

انگیزه درونی

مسئله دیگر، نیت و انگیزه های درونی است. شما برای چه دنبال امام حسین علیه السلام می روید؟ هرکس به دنبال یک چیزی است و با هدفی در مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام شرکت می کند و این را فقط خودش می داند و امام علیه السلام.

مرحوم والد ما می فرمودند: دلم می خواهد فلان جای حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام دفن بشوم، اما وصیت نمی کنم که دیگران به زحمت بیفتند. اتفاقاً همان جا دفن شدند. ایشان می فرمودند: این جا خانه فلان شخص بود و وقتی به او گفتند: می خواهیم صحن امام حسین علیه السلام را گسترش دهیم، با دل و جان خانه اش را تقدیم کرد.

گفتند: چقدر پول می خواهی؟

گفت: من از امام حسین علیه السلام پول می خواهم، از شما نمی خواهم. او از دنیا رفت، حال اگر ده برابر قیمت واقعی منزلش هم پول می گرفت، الآن آن پول ها به درد او نمی خورد، اما همین یک کلمه چقدر با ارزش است. چند درصد از اعمال ما برای سیدالشهدا علیه السلام است؟ اگر کسی چوب لای چرخ دستگاه امام حسین علیه السلام گذاشت، حرف زشتی زد و شخصی را به جهت ارتباطش با دستگاه آن حضرت مسخره کرد، امام حسین علیه السلام و خدای او می دانند، پس باکی نیست و باید برای خشنودی آن بزرگوار صبور بود.

ناظر بودن خدا

امام حسین علیه السلام جمله ای را که عرض می کنم دو بار فرمودند: یک بار روز تیرباران کردن بدن مطهر امام حسن مجتبی علیه السلام بود، چون امام علیه السلام همه کاری می توانستند انجام بدهند، اما صلاح نبود، لذا از شورش جلوگیری کردند. یک بار هم وقتی آخرین شهید، یعنی حضرت علی اصغر علیه السلام را تقدیم خدا کردند این جمله را بر زبان جاری ساختند و این نشان می دهد که این دو ماجرا بر قلب مقدس ایشان سنگین تر بوده است. امام علیه السلام در دو موضع فرمودند:

هَوْنٌ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِثَ اللَّهُ^۱؛ این وضع و صحنه بر من بسیار سنگین است، اما چون خدا می بیند، برایم آسان است.

ما نیز به عنوان فرزندان امام حسین علیه السلام باید از ایشان درس بیاموزیم و استقامت کنیم و اگر در راه برپایی عزاداری حضرتش مشکلی پیش آمد، باور داشته باشیم خدای متعال و حضرت سیدالشهدا علیه السلام می بینند و همین برای ما کافی است و لازم نیست کس دیگری بفهمد. فراموش نکنید که اگر شخص دیگری فهمید، حداکثر این که چند روزی برای شما دلسوزی کند و فرض کنید اندکی هم به شما عقیده پیدا کرد. این دلسوزی چه فایده ای برای شما دارد؟ مهم این است که خدا و امام حسین علیه السلام ناظر برآنند و کارگشای شما خواهند بود.

اختصاصات سیدالشهدا علیه السلام

چهار نفر از حضرت سیدالشهدا علیه السلام برترند: پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا، حضرت امام حسن علیه السلام در عین حال خدای متعال اختصاصاتی برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام مقرر داشته که مخصوص آن حضرت است. در این زمینه قصه ای از امام صادق علیه السلام روایت شده که بیان آن را لازم می دانم.

روزی شخصی به یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام اسحاق بن عمار گفت: من می خواهم به حج بروم، نظرت چیست؟ او که دید این شخص بی بنیه و ضعیف است، گفت: تو مال حج نیستی و نمی توانی به حج بروی!

پس از آن، اسحاق به دیدار امام صادق علیه السلام رفت و ماجرا را برای حضرتش نقل کرد. امام علیه السلام با شنیدن سخن اسحاق فرمودند:

۱. باقر شریف القرشی، حیاة الإمام الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۸.

ما أخلقك أن تمرض سنة^۱ چه به جاست که یک سال بیمار شوی!

اسحاق، همان دم بیمار شد و بیماری اش یکسال ادامه یافت. توجه داشته باشیم که ابن عمار مردی متدین بود، اما چون به جای خیراندیشی نظر منفی داده بود، از نظر امام علیه السلام کیفرش این بود که یک سال مریض باشد. بدین ترتیب حضرت صادق علیه السلام یادآوری کردند که حج از منزلت والایی برخوردار است و به همین اندازه نیز نباید کسی را از انجام این فریضه باز داشت.

عرفه و زائران امام حسین علیه السلام

از ارکان مهم حج، عرفه است، اما فضل عرفه محدود به سرزمین عرفات نیست.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند:

إن الله تعالى يوم عرفة ينظر إلى زوار قبر الحسين عليه السلام، فيغفر لهم ذنوبهم، ويقضي لهم حوائجهم قبل أن ينظر إلى أهل الموقف بعرفة^۲؛ خدای متعال در روز عرفه، پیش از آن که بر حاجیان [حاضر در] عرفه نظر [رحمت] افکند، به زائران امام حسین علیه السلام [به رحمت] می نگرد و گناهانشان را می آمرزد و حاجت هایشان را برآورده می سازد.

در روایات آمده است که مکه اولین خشکی بود که پدید آمد و از همین رو یکی از نام های مکه «أم القرى» است. سپس خدا سرزمین های دیگر را ایجاد کرد.

یک بار کعبه بر سرزمین های دیگر افتخار کرد و گفت: خدا اول مرا به وجود آورد، بعد زمین های دیگر را. از جانب خدای متعال خطاب آمد: ساکت باش! سرزمین کربلا از تو افضل است، زیرا تمام زمین ها روز قیامت از بین می روند، مگر زمین کربلا که به بهشت انتقال می یابد و در آن از درخشش فوق العاده ای برخوردار است.

با این احوال اگر بنا باشد کسی که در مورد حج رفتن درست نظر نداده جزایش یکسال مریضی باشد، پس در مورد حضرت سیدالشهداء علیه السلام چگونه خواهد بود؟ مسلماً تمام این ها استثناهایی است که خدای منان برای سیدالشهداء علیه السلام قرار داده است.

بنابراین نباید کسی درباره امام حسین علیه السلام و دستگاه ماندگار و انسان ساز او مانع تراشی کند که - خدای ناکرده - مورد قهر الهی قرار گرفته، سخت کیفر خواهد شد و اگر در این دنیا کیفر نشود، به یقین در سرای دیگر کیفری سخت و دردناک خواهد شد.

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۷۱.

۲. عوالي اللاکلی، ج ۴، ص ۸۳.

چکیده سخن

تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت، مطلب قابل توجهی است که به عنوان مطلب پایانی بدان اشاره می‌کنیم. در روایات آمده است که قرآن منبع اول و اصلی است و از آن به عنوان «ثقل اکبر» یاد شده است. همین کتاب بزرگ و ارجمند می‌فرماید: «...أَقِمْوا الدِّينَ...»^۱ دین را به پا دارید. دینی که در این آیه از آن یاد شده، دین اسلام و شامل اصول دین، فروع دین، احکام دین، اخلاق و آداب است. فرمان «أَقِمْوا الدِّينَ» شامل همه کسانی می‌شود که توان علمی و فرا گرفتن علم را داشته باشند و من و شما نیز مخاطب این فرمان الهی هستیم. بنابراین همه ما باید کاری کنیم که دین برپا داشته شود و همیشه به یاد داشته باشیم که خاندان رسالت، به ویژه سرور شهیدان، امام حسین (علیه السلام)، برای حفظ آن جان خود را فدا و خون خویش را نثار کردند. پس اگر کسی از دین چیزی نمی‌داند باید به او یاد داد و کاری کرد که فرد فرد مردم اصول دین، احکام دین را مثل وظایف متقابل زن و شوهر، فرزند و پدر و مادر یاد بگیرند.

۱. شوری ۴۲، آیه ۱۳.

احیای امر اهل بیت (علیهم السلام)

مطلب دیگری که بیانش را ضروری می‌بینم مسأله «احیای امر» اهل بیت (علیهم السلام) است که این وظیفه نیز برعهده ماست. البته هرکس این وظیفه را بر عهده گرفته، به انجام رساند، مشمول دعای امام رضا (علیه السلام) خواهد بود که این خود پاداشی مضاعف به شمار می‌رود. در روایت آمده است که امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

رحم الله عبداً أحيا أمرنا؛ خدای رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند.

اباصلت عرض کرد: احیای امر شما چگونه ممکن است؟

امام (علیه السلام) فرمودند:

يتعلّم علومنا ويعلمها الناس؛^۱ علوم ما [اهل بیت] را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد.

تمام علوم اهل بیت (علیهم السلام) به صورت واجب کفایی باید یاد گرفته شوند، هدایت مردم منحرف از اسلام، و منحرف از دین، واجب کفایی است و اگر من به الكفاية (کسی که بتواند به نحو احسن از انجام واجب کفایی برآید) وجود نداشته باشد واجب عینی خواهد بود.

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰.

عبادت برتر

اعمال، مراتب دارد و هر یک از آن ها از منزلت و پاداش برخوردار است و البته برترین عمل ها عملی است که در این روایت آمده است.

حضرت می فرمایند:

ما عُبِدَ اللَّهُ بشيءٍ أفضل من العمل بما افترض الله على عباده؛^۱
خدا به چیزی برتر از عملی که بر بندگان واجب کرده، عبادت
نشده است.

بر اساس این روایت و فرمان «أَقِمُوا الدِّينَ»، برپا داشتن دین در حال
حاضر بر همگان واجب عینی است. از این رو تا جایی که قدرت دارید در
انجام این فرمان بکوشید، باشد که بهترین بندگان باشید.

امیدوارم خدای متعال به برکت اهل بیت علیهم السلام در این دهه عاشورا
بیش از پیش همگی را مورد لطف خود قرار دهد تا میزان خشنودی
حضرت سیدالشهدا علیه السلام از ما افزایش یابد و به همه مؤمنین توفیق
عمل به وظایف را مرحمت فرماید و به برکت کریمه اهل بیت علیهم السلام
حضرت فاطمه معصومه علیها السلام حوائج مؤمنین را برآورده فرماید،
ان شاء الله تعالی.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

استفتاءات شاعر حسینی

زیر نظر بخش پاسخگویی به سؤالات شرعی

بیت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه

استفتاءات شعائر حسینی

سؤال: استفاده از موسیقی در سرودها و نمایش های دینی همچون

تعزیه، حلال است یا حرام؟

جواب: موسیقی مطلقاً حرام است.

سؤال: جاری ساختن خون بدن (ادماء) در عزای حضرت

سیدالشهداء علیه السلام جایز است؟

جواب: جائز، بلکه مستحب است حضرت زینب علیها السلام که همه دوستداران خاندان پیامبر ﷺ امید به شفاعت آن حضرت دارند وقتی که سر مبارک برادر و امام خود را بر نیزه دیدند، سر خود را به چوبه محمل زدند و خون جاری شد و این عمل در مقابل حضرت زین العابدین علیه السلام انجام گرفت و آن حضرت خطاب به حضرت زینب علیها السلام فرموده اند: عمه جان شما به حمدالله دارای علم ربانی هستید.

سؤال: ما در ایام محرم الحرام وبه ویژه روز عاشورا چه نقشی

می توانیم ایفا کنیم؟

جواب: باید در اظهار اندوه و عزا به امامان بزرگوار خود اقتدا کنیم و در بنیان گذاری مظاهر عزاداری یا حضور در عزاداری هایی که دیگران بنیاد نهاده اند بکوشیم.

سؤال: آیا پوشیدن لباس سیاه برای امام حسین علیه السلام و عزای

معصومین علیه السلام کراهت دارد یا خیر؟ و نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟

جواب: پوشیدن لباس سیاه در سوگ سیدالشهداء علیه السلام و سایر معصومین علیه السلام کراهت ندارد بلکه مستحب می باشد و همچنین نماز خواندن با آن.

سؤال: زنجیرزنی، سینه زنی و خراشیدن گونه ها در عزای سیدالشهداء علیه السلام چه حکمی دارد؟

جواب: جایز و بلکه مستحب است.

سؤال: آیا آیین های گوناگون عزاداری که امروزه در میان ما معمول می باشد، در روزگار امامان معصوم علیه السلام وجود داشته است؟

جواب: بله اصول اساسی و ریشه همه گونه های عزاداری در آن روزگار وجود داشته است.

سؤال: آیا پیاده روی به سمت کربلای معلای در ایام محرم الحرام با وجود ضرر احتمالی از سوی دشمنان اهل بیت علیه السلام - به ویژه در روز عاشورا - جایز است؟

جواب: پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام از اموری است که اهل بیت علیه السلام بدان امر کرده اند، حتی با وجود ضرر احتمالی.

سؤال: آیا روایتی که طی آن حضرت زینب علیها السلام پیشانی مبارک خود را به چوب محمل زدند و بر اثر آن خون جاری شد صحت دارد؟

جواب: صحت و شهرت این روایت مانند دیگر قضایای صحیح و مشهور کربلاست که نمی توان آن را انکار کرد.

سؤال: آیا هروله کردن (حالتی بین راه رفتن و دویدن) در مجلس امام حسین علیه السلام اشکال دارد؟

جواب: عزاداری های متعارف مجالس حضرت سیدالشهداء علیه السلام موجب اجر و ثواب است ان شاء الله تعالی.

سؤال: آیا نمایش واقعه کربلا در قالب فیلم سینمایی جهت عرضه به جهانیان با رعایت شئون دینی جایز است؟

جواب: جایز است و بلکه نسبت به چنین کاری باید اهتمام صورت گیرد و در ساخت آن بر منابع تاریخی صحیح تکیه گردد تا از این طریق جهانیان با حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) و آرمان های بلندشان آشنا شوند.

سؤال: آیا عَمَلی که در تکایای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) مورد استفاده قرار می گیرد، جزء خرافات است؟

جواب: آنچه در عزاداری حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) متعارف است، مورد عنایات خاصه امام زمان (علیه السلام) بوده و موجب اجر و ثواب نیز می باشد.

سؤال: گریستن بر حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در نماز چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد و نماز را دچار اشکال نمی کند مادامی که انسان را از صورت نماز خارج نگرداند، بلکه گریه بر امام حسین (علیه السلام) از بهترین وسایل تقرب به خدای متعال به شمار می رود.

سؤال: آیا در روایات به مدت عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) اشاره شده است؟

جواب: روایات شریفه بر عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) در تمام دوره سال و در همه اوقات تأکید دارد مخصوصاً دهه اول محرم؛ سپس دو ماه محرم و صفر.

سؤال: علت این که در مراسم عاشورا از ذکر حیدر حیدر برای عزاداری استفاده می شود چیست؟

جواب: یکی از نام های امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) حیدر می باشد و این ذکر برگرفته از استغاثه حضرت زینب (علیها السلام) به پدر بزرگوارشان در روز عاشورا است.

سؤال: علت اسارت حضرت زینب (علیها السلام) چه بود؟

جواب: هنگامی که اهل بیت (علیهم السلام) را اسیر کرده و به شام بردند، به یزید بن معاویه خبر رسیدن آنان را دادند یزید از علت اسارت اهل بیت (علیهم السلام) پرده برداشت و اشعاری را سرود و گفت: ای کاش نیاکانم (ابو سفیان، ابوجهل، و مانند آنان) که در بدر کشته دادند، حاضر بودند و می دیدند که چگونه انتقام خون آنان را از نبی و اهل بیت او (علیهم السلام) گرفتم، مردان آنان را کشته و زنان آنان را اسیر نمودم.

سؤال: انجام مراسم شبیه خوانی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که تاریخ را به طور صحیح و بدون استفاده از آلات لهو و موسیقی نمایش دهند، جایز بلکه مستحب است.

سؤال: نظر مبارکتان درباره این سخن چیست: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»؟

جواب: با توجه به فرمایش امام حسن مجتبی (علیه السلام) خطاب به برادر بزرگوارشان که می فرمایند: «لا یوم کیومک یا أباعبدالله؛ یا ابا عبدالله هیچ روزی همانند روز - مصیبت بار - تو نیست» و همچنین فرمایشات و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره کربلای معلی و روز خون بار عاشورا، به روشنی دریافت می شود که هیچ زمینی حتی کعبه به قداست و شرافت کربلا نمی رسد و هیچ روزی همانند عاشورا نیست. از این رو تعبیر (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) صحیح نیست.

سؤال: آیا دلیلی شرعی در دست هست که برگزاری سوگواری حسینی را تأیید و بر آن تأکید کند؟ و آیا «لطم» (زدن بر صورت و سینه) در مراسم، بر پایه دلیل است؟

جواب: امام صادق علیه السلام فرمودند: «ولقد شقن الجيوب، ولطمن الخدود الفاطمیات علی الحسین بن علی؛ بانوان فاطمی بر حسین بن علی علیه السلام گریبان چاک نمودند و بر چهره [خود به نشانه عزاداری] لطمه زدند». (جامع احادیث الشیعة، ج ۳، ص ۴۹۲)

سؤال: نظر حضرت عالی درباره مراسم «عزای طویریج» (که سوگواران در آن به نشانه عزا می دوند و حسین، حسین کنان بر سر می زنند) چیست؟

جواب: مراسم سوگواری مذکور که در آن مشارکت امام زمان علیه السلام توسط علمایی مانند علامه بحرالعلوم مشاهده گردیده است، از موارد برتر عزاداری بوده و شرکت کنندگان در آن، از پاداش الهی برخوردارند و شرکت در آن، توفیقی بس بزرگ است.

سؤال: منظور از شعائر حضرت سیدالشهداء علیه السلام چیست؟

جواب: منظور از آن، تمام مراسمی است که بین شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام متعارف و آن را برگزار می کنند؛ مراسمی که امام حسین علیه السلام، خاندان و یاران او - که درود خدا بر آنان باد - و نیز موضعگیری و فداکاری آن حضرت در راه خدا را به یاد می آورد.

سؤال: اگر سستی ورزیدن برای حضور در مجالس دینی و بزرگداشتن شعائر مذهبی، روحیه اسلامی را در انسان، افراد خانواده و هم کیشان او تضعیف و کم رنگ کند، معصیت به شمار می رود؟
جواب: در فرض مذکور، بله در شمار معاصی قرار دارد.

سؤال: استفاده از سنج و طبل در مراسم حسینی چه حکمی دارد؟
جواب: سنج و طبل از آلات مشترکه است، و استفاده از آن در عزاداری حسینی جایز است، اما استفاده از آلات غیر مشترکه مانند نی و فلوت و غیر آن از آلات موسیقی، جایز نیست.